

بررسی و نقد ادعای امامت جعفر بن علی الهادی علیه السلام و پیامدهای آن

۱ عزالدین رضانژاد

۲ محسن رحیمی جعفری

۳ زینب رضانژاد کلانی

چکیده

جریانی که در اواسط نیمه اول سده سوم هجری؛ اواخر عصر حضور امامان معصوم علیهم السلام، به وقوع پیوست، بر شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امام تأثیر بسزایی داشت. این جریان انحرافی ادعای امامت جعفر بن علی الهادی علیه السلام بود که در دو دوره از دوران امامت امامین عسکریین علیهم السلام و دوران آغازین غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل بررسی است. نوشتار پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر منابع تاریخی-روایی و فرقه‌ای چگونگی ادعای امامت جعفر و پیامدهای آن را بررسی کرده است. بررسی مرحله به مرحله انحراف جعفر و تأثیر و پیامد آن بر جامعه شیعی در آن عصر، این نتایج را به دست داد: الف) بررسی نقش فارس بن حاتم در ادعا سازی جعفر بن علی؛ ب) طرح ادعای امامت جعفر در دوران امامان عسکریین علیهم السلام و پیامدهای آن؛ ج) بررسی آشکار شدن ادعای جعفر بن علی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام؛ د) بررسی پیامدهای این ادعا در دوران غیبت که از ملزومات چنین ادعایی بوده است؛ مانند خدشه در نصوص تعیین امام، نادیده گرفته شدن نصوص اثنا عشر خلیفه، تأثیر بر احکام فقهی شیعه، تهییج برخی از شخصیت‌های شناخته شده به سوی انحراف، تلفیق حق و باطل و پیدایش فرقه‌ها.

واژگان کلیدی: ادعای امامت، جعفر بن علی الهادی علیه السلام، فارس بن حاتم، پیامدهای ادعای جعفر،

پیدایش فرقه.

Rezanejad32@yahoo.com

۱. استاد جامعه المصطفی العالمیه قم

Rahimi.mohsen0@gmail.com

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

zeinab1877@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)

مقدمه

«امامت»، به عنوان امتداد نبوت، همواره سرلوحه اعتقاد شیعیان اثناعشری بوده و از سوی شارع مقدس، دارای شرایط و ضوابط خاصی است. از این رو، این جایگاه همچون نبوت در طول تاریخ مورد دست درازی طمع کارانی قرار گرفته است. مدعیان، از حیث شخصیت فردی، انتساب به حکومت، انتساب به قریش - به عنوان ویژگی خاص جانشینان پیامبر خدا ﷺ - نوع و ترفند ادعا، توان پیروان و داعیان و حیات و ممت مدعی هنگام ادعای امامت، متفاوت بوده‌اند. یکی از این مدعیان، «جعفر بن علی الهادی علیه السلام»^۱ است که ابتدا توسط فارس بن حاتم به سمت انحراف از آموزه‌های شیعی ترغیب شد. ابتدا فارس بن حاتم تلاش کرد تا امامت سید محمد، فرزند امام هادی را در میان شیعیان نهادینه کند؛ اما با درگذشت سید محمد، فارس با توجه به ویژگی‌های کج‌روی و انحراف در شخصیت جعفر، طرح امامت جعفر بن علی الهادی علیه السلام را مطرح کرد و لذا فارس بن حاتم، به عنوان اولین شخص، به تبلیغ این ادعا همت گمارد. این انقلاب فکری جعفر بن علی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام به ادعای امامت وی تبدیل شد؛ تاجایی که کار به درگیری بین پیروان راستین امام حسن عسکری علیه السلام و منحرفان کشید و در ادامه، در آغازین دوران غیبت، این ادعا سد محکمی بر سر راه شیعیان در مسیر شناخت امام زمان شد.

از آن جا که جعفر ادعایی داشته و این ادعا پیامدهایی داشته است؛ این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع روایی، تاریخی و فرق انحرافی در پاسخ‌گویی به چگونگی



۱. جعفر بن علی، مشهور به «ابوعبدالله» از فرزندان امام هادی علیه السلام است. «جعفر» در منابع شیعی به دلیل رفتارهای ناشایست فراوان مورد غضب و روی گردانی امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام واقع شد؛ و به دلیل ادعای کذب امامت و همچنین انکار وجود فرزند برای امام عسکری علیه السلام، به «کذاب» مشهور است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۰۹: ص ۷۸؛ ابن عنبه، ۱۴۳۰: ص ۱۹۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۶۸-۲۶۹؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۱۸ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۹). برای مطالعه بیشتر در مورد شخصیت جعفر (رک: رحیمی جعفری و رضا نژاد کلائی، ۱۳۹۹، «بررسی و تحلیل شخصیت شناسی جعفر بن علی در منابع روایی و تاریخی و تاثیر آن بر آغاز غیبت»، فصلنامه انتظار موعود ش ۷۰، ص ۱۱۵-۱۳۸).

سیر شکل گیری ادعای امامت جعفر بن علی و پیامدهای آن ساماندهی شده است. این نوشتار در مقام پرداختن به جزئیات شخصیت جعفر و فارس نیست. در زمینه پیشینه این موضوع، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مقاله «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، نوشته سید حسین شافع و مجید احمدی کچایی (شافع و احمدی کچایی، ۱۳۹۶: ص ۵-۲۲)؛ مقاله «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، نوشته قدرت الله غلمانی (غلمانی، ۱۳۹۲: ص ۷۷-۹۶) و مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت شناسی جعفر بن علی در منابع روایی و تاریخی و تاثیر آن بر آغاز غیبت»، نوشته محسن رحیمی جعفری و زینب رضانژاد کلائی (رحیمی جعفری و رضا نژاد کلائی، ۱۳۹۹: ص ۱۱۵-۱۳۸). مقالات مذکور بیش تر در زمینه شخصیت جعفر است و البته در آن ها به ادعای امامت وی از باب کذاب بودن اشاره گردیده، ولی در زمینه بررسی دقیق چگونگی ادعای امامت و پیامدهای آن بحث خاصی ارائه نشده است.

۱. نقش فارس بن حاتم در ادعا سازی جعفر بن علی

موردی که به عنوان زمینه ادعای امامت - نه مطلق انحراف - جعفر بن علی می توان اشاره کرد، پیشینه سازی طرح امامت جعفر، از سوی فارس بن حاتم است. «فارس بن حاتم ماهوی قزوینی» (احتمالاً متولد ۱۸۳ق)، از محدثان مشهور شیعه و اصالتا اهل قزوین بوده؛ ولی در نیمه دوم عمر خویش در سامرا سکونت داشته است. نصر بن صباح نقل می کند که وی بیش تر احادیث شاذ را نقل می کرد و کم کم به غلو متمایل (کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۰۵) و از مسیر هدایت اهل بیت علیهم السلام منحرف شد. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام نام برده است و از او به عنوان «غالی ملعون» یاد می کند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰ و مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۳). کشی نیز در کتاب «رجال»، فارس را فردی دارای گرایش های باطنی یاد می کند (کشی، ۱۴۰۴: ص ۵۲۲). در نتیجه وی از امام جدا شد و در خطی مخالف با آن حضرت



قرار گرفت^۱. حساسیت سخنان فارس به اندازه‌ای بود که واکنش سریع و صریح امام را در مورد او به دنبال داشت (همان، ۱۴۰۹: ص ۸۰۶). مطابق متن برخی از منابع، فارس بن حاتم در این دوران در زمان امام هادی علیه السلام، ابتدا امامت سید محمد را مطرح کرد و بعد از وفات سید محمد، ادعای امامت جعفر را (قاضی عبدالجبار، بی تا: ج ۲۰، قسم ۲، ص ۱۸۲ و ناطق بالحق، ۱۴۲۲: ص ۱۶۶). ظاهراً همین مسئله باعث برخورد قاطع امام علیه فارس شد (کشی، ۱۴۰۹: ص ۸۰۶). با توجه به شخصیت منفی جعفر بن علی و کجروی‌ها و انحرافات اخلاقی او (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰ و طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۴۷۰)، که به صورت علنی در جامعه وجود داشت، هیچ راوی یا رجالی در مدح و فضیلت او مطلبی نگفته است (علامه امینی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۲۴۸-۲۵۰). از طرفی جعفر رفتار مسالمت‌آمیز و دوستانه‌ای با فارس داشت، تا جایی که فارس را مردی پارسا و پرهیزکار معرفی می‌کرد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۱۳). فارس هم که از شخصیت جعفر بن علی شناخت داشت، انحراف جعفر را با ادعای امامت جعفر کامل و در مسیر پذیرش امامت حضرت مهدی علیه السلام برای شیعیان سدی ایجاد کرد. علت عناد فارس را می‌توان در انحراف و طرد شدن او از طرف امام هادی علیه السلام دانست؛ ولی او همچنان به دریافت وجوهات از شیعیان ادامه می‌داد؛ با این تفاوت که دیگر این وجوهات را به محضر امام نمی‌فرستاد و در پی آن، با رویکرد امام هادی علیه السلام مبتنی بر بیزاری از فارس و دستور امام مبنی بر عدم پرداخت وجوهات از سوی شیعیان به او، بر خشونت و دشمنی فارس افزوده شد؛ به طوری که با جعل دست خط امام، مبنی بر این که در جمع‌آوری وجوهات از امام دستور گرفته است، همچنان به کار خود ادامه

۱. امام هادی علیه السلام ابتدا طی دو نامه که یکی از آن دو در تاریخ سه شنبه، ۹ ربیع الاول سال ۲۵۰ ق خطاب به علی بن عمر قزوینی نوشتند؛ فارس را لعن و طرد فرمودند. البته در منابع تاریخی از جزئیات عمل و اقدامات فارس گزارش جامعی نقل نشده؛ جز این که از وی به فسادانگیزی، دعوت شیعیان به بدعت و تجمع آنان به دور خود یاد شده است؛ تا جایی که امام هادی علیه السلام فرمان قتل فارس بن حاتم را صادر کردند. البته در مورد فرمان قتل فارس بن حاتم اختلاف است. در روایت دیگری آمده است امام حسن عسکری علیه السلام فردی به نام جنید را مامور کردند تا فارس را بکشد و به او فرمودند: اگر او را بکشد، بهشت رفتنش را تضمین خواهد کرد. پس جنید، فارس بن حاتم را کشت (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۹۱-۲۱۰)؛ اما در بررسی منابع روایی تاریخی سند فرمان قتل فارس توسط امام هادی علیه السلام قوی‌تر است.

می‌داد (کشی، ۱۴۰۴: ص ۵۷۳، ح ۱۰۸۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۲۰-۴۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۰؛ خوبی، ۱۴۰۳: ج ۱۶، ص ۲۰۴ و ج ۱۱، ص ۱۵۰ و مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۷۸-۸۵). این کج روی فارس، او را به سمت منحرف کردن مردم از امام راستین کشاند.

۲. بررسی مرحله اول ادعای جعفر، در دوران حضور

با توجه زمان تاریخی خاص دوره زندگی جعفر بن علی، ادعای امامت وی در دو دوره قابل بررسی است: ابتدای دوره در زمان حضور امام است که شامل دوره امامان عسکریین علیهم‌السلام است و دوم، دوره امامت امام عصر عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌القیام و زمان غیبت امام است.

از آن جا که جعفر بن علی خود شخصیتی بود دارای انحرافات اعتقادی، رفتاری و اخلاقی بسیار (خصیبه، ۱۴۱۱: ص ۳۲۸ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۶۸۲)؛ پس از مرگ فارس بن حاتم خود میدان دار این انحراف شد. لذا به گزارش ابن قبه، جعفر ادعای امامت خود را بعد از وفات برادرش، سید محمد مطرح کرد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۱۳)؛ و مطابق نقل خصیبه، جعفر ادعای خود را در دوران امامت امام هادی علیه‌السلام دنبال می‌کرد؛ به طوری که در روایتی از امام هادی علیه‌السلام آمده است که امام در پاسخ گروهی از شیعیان که گمان می‌کردند جعفر، جانشین امام هادی علیه‌السلام، است؛ ضمن تشبیه جعفر به فرزند نوح، می‌فرماید که از جعفر دوری کنید (خصیبه، ۱۴۱۹: ص ۳۸۱-۳۸۲ و معروف الحسینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴) و در جای دیگر، حضرت فرمودند: «امام بعد از من حسن است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۷). همچنین امام هادی علیه‌السلام در نامه‌ای به ابی‌بکر فهفکی- که در پی ادعای فارس بن حاتم بر امامت جعفر است- می‌نویسند:

ابومحمد [=امام حسن عسکری علیه‌السلام] خیرخواه‌ترین آل محمد علیهم‌السلام و معتبرترین ایشان است و او پسر بزرگ‌تر من (همان، ص ۳۲۷) و جانشین من است و رشته امامت و احکام آن به او می‌رسد. آنچه می‌خواهی از من بپرسی با او مطرح کن و رفع تمام احتیاجات شما نزد اوست (همان، ص ۳۲۷-۳۲۸).

پیشینه روی گردانی امام هادی علیه‌السلام از جعفر، به روزهای ادعای امامت توسط فارس بن حاتم برای جعفر بر می‌گردد؛ چرا که امام هادی علیه‌السلام شیعیان را از فارس برحذر می‌داشتند و انحراف او



را برملا می‌کردند؛ اما به عکس، جعفر به سوی فارس اقبال نشان می‌داد و همنشین وی بود. در روزهای نخستین انحراف جعفر، امام هادی علیه السلام به شیعیان هشدار دادند که عده‌ای توسط جعفر به انحراف کشیده می‌شوند؛ و امام علیه السلام، جعفر را از راه خود منحرف اعلام و به صراحت بیان کردند که حسن، امام بعد از من است؛ چرا که جعفر از مسیر دین خارج است و زیر بار فرمان من نیست (همان، ص ۳۲۸).

به طور عادی وقتی انحرافی به وجود بیاید، در طول زمان گستره و عمق آن بیش‌تر و آن تفکر در افراد بیش‌تری نفوذ می‌کند. از طرف دیگر، طرفداران انحراف در گذشت زمان در پی پایه‌ریزی استدلال برای موجه جلوه دادن اعتقاد خود هستند و فرزند نداشتن امام حسن عسکری علیه السلام دستاویز مهمی برای طرفداران جعفر در این دوره برای به انحراف کشیدن شیعیان بوده است. به همین لحاظ جعفر در دوره امامت امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به دوره امامت امام هادی علیه السلام، از تلاش‌ها و سرسختی بیش‌تر طرفداران برخوردار شده بود؛ تا جایی که بر خلاف زمان امام هادی علیه السلام این ادعاها موجب اختلاف و درگیری میان پیروان امام عسکری علیه السلام و جعفر و طرفدارانش گردید (شهرستانی، ۱۳۶۴: ص ۲۰۰ و مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷).

بعد از مرگ فارس بن حاتم، پیروان وی که از طرفداران جعفر شده بودند، در مخالفت با امام عسکری علیه السلام فعالیت‌های وسیعی ابراز داشتند و رهبری این گروه بر عهده خواهر فارس بود. این گروه بسیار بی‌ادب و هتاک بودند، تا جایی که امام عسکری علیه السلام را به احکام شریعت ناآگاه عنوان می‌کرده و پیروان امام را «حماریه» لقب داده بودند! برخی از آنان تا جایی پیش رفتند که

۱. درباره خواهر فارس گفته شده است که هرگز در طول امامت امام عسکری علیه السلام به حضرت ایمان نیاورد و حتی پس از شهادت امام از مبلغان فعال اثبات امامت جعفر بود (مدرسی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷؛ به نقل از فرق الشیعه نویختی؛ کتاب الزینة ابو حاتم رازی، ص ۲۹۱). شهرستانی به خطا نام خود این فارس را به جای نام خواهر آورده که مشخص نیست اشتباه از نساخ باشد، یا از مؤلف (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۹۹).

۲. البته علامه امینی این مطلب را قبول ندارد: «آیا آنان که پیروان حسن علیه السلام را حماریه نامیدند، کیانند؟ بلی، به اهل بیت نبوت همیشه، رشک می‌برده‌اند. از این‌رو، برای هر کدام از آن‌ها در زمانشان، کسانی پیدا می‌شدند که به آن‌ها بدگویی کرده، پیروانشان را ناسزا گویند؛ ولی این بدگویی‌ها برای آنان و پیروانشان هیچ‌گاه لقب نمی‌شود. این فحاشی‌ها و

طرفداران امام را «کافر» خواندند (همان، ص ۲۹۱-۲۹۲).

نیز در مقاطعی امام حسن عسکری علیه السلام به یاران خود اعلام کردند که جعفر طمع امامت دارد و حتی اگر می توانست مرا به قتل می رساند (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۸۲).

۳. پیامد طرح ادعای امامت جعفر در دوران حضور

در برهه‌ای از تاریخ (سال ۲۵۰ تا ۲۶۰ق) که شروع انحراف جعفر بن علی بوده و تا ادعای امامت وی ادامه یافت؛ مسیر انتخاب امام را از منشأ آن دچار تردید کرد تا جایی که شیعیان با مشکلاتی در بحث امامت مواجه شدند که در ادامه پیامدهای این ادعای ناحق بررسی می‌گردد: برخی پیامدها بدین شرح است:

۳-۱. چند پارگی جامعه شیعی و تقابل با یکدیگر

حرکت انحرافی جعفر بن علی و پیگیری آن، به جمع شدن پیروان فارس، گرد جعفر بن علی منجر شد، و پیامد آن خصومت میان طرفداران جعفر و شیعیان واقعی بود، تا حدی که اتهامات آنان بر هم شدت یافت و حتی در مواردی به برخوردهای فیزیکی انجامید! کار به جایی رسید که شیعیان امام هادی علیه السلام، خادم جعفر، به نام نفیس را در حوض آبی انداخته، او را غرق کردند (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۱۵ و اشعری، ۱۳۶۱: ص ۱۱۴). همچنین دو نفر از پیروان سرشناس جعفر که در سامرا آشکارا از وی حمایت کرده، مردم را به سوی او فرامی‌خواندند؛ به دستور امام هادی علیه السلام مورد تعقیب قرار گرفتند و آنان از ترس کشته شدن به کوفه گریختند و تا شهادت امام عسکری علیه السلام جرأت بازگشت به سامرا را نداشتند (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۸۵).

این تفرقه بین شیعیان اندک در مقابل دشمنان بسیار و برخوردار از قدرت حکومت، جز

→

بدگویی‌ها، جمع می‌شود. و مانند کثافت‌ها که به جاهای پست می‌ریزد، جای پست خودش را پیدا می‌کند» (علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۵، ص ۲۴۸-۲۵۰، مترجم: جمعی از نویسندگان، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸).
براین اساس، اگر چه علامه امینی با مطلب مذکور مخالف است؛ نظریه مقابل پشتوانه روایی و نقل‌های متعدد دارد که هر کدام در جای خود ذکر شده است.



تضعیف شیعیان واقعی پیامدی نداشت.

۲-۳. تردید و تحیر در شناخت امام

تبلیغ و ترویج ادّعی جعفر در مورد امامتش از سوی پیروان فارس، سبب شد برخی از شیعیان در امامت امام عسکری علیه السلام دچار تردید و موجب رنجش امام شوند. امام عسکری علیه السلام در این مورد شکوه کردند و فرمودند: «هیچ یک از پدرانم مانند من به شک و تزلزل شیعیان در امر امامت گرفتار نشدند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۸۷). این بیان امام حکایت از گسترش انحراف به وجود آمده توسط جعفر و پیروانش دارد؛ تا جایی که امام عسکری علیه السلام تا پایان عمر شریف خود، با جعفر قطع رابطه کردند و هرگز با او سخن نگفتند (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۰۷). شک و تزلزل شیعیان توسط جعفر و طرفدارانش همچنان ادامه یافت و پس از شهادت امام عسکری علیه السلام دو چندان ظاهر شد.

۳-۳. ارتباط با دستگاه خلافت عباسی

از آن جا که حاکمیت و خلافت در دوران امامان عسکریین علیهم السلام در دست عباسیان قرار داشت و به هر حال مردم بسیاری هم خواهان آنان بودند و از طرف دیگر خلفای عباسی، مهم‌ترین دشمن خود را خلفای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانستند؛ از این اختلاف پیش آمده نهایت استفاده را کردند و از این طریق ارتباط جعفر به دربار فراهم شد. دوستی و رابطه جعفر با دستگاه خلافت عباسی (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۷۴ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۶)؛ تا جایی پیش رفت که جعفر در دوره بیماری و شهادت امام عسکری علیه السلام، خلیفه را از این موضوع آگاه کرد. به دنبال این خبر، خلیفه برخی از خادمان مورد اعتماد خود را به خانه امام فرستاد تا در آن جا حضور داشته باشند و همه وقایع را به صورت دقیق برایش گزارش کنند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۶). بنابراین، از طرفی دستگاه خلافت عباسی بر طبل انکار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌کوبید و از طرف دیگر، جعفر، به عنوان برادر و بزرگ خاندان امامت و طرفدارانش پرچمدار امامت شده بود. این دو عامل پیچیدگی و سرگردانی شیعیان را در شناخت امام راستین دوچندان کرده بود.



۴. بررسی مرحله دوم ادعای امامت جعفر، دوره غیبت

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز دوره غیبت، ادعای امامت جعفر بن علی پرننگ تر شد و دو تفاوت مهم با دوره قبل پیدا کرد: اول، در این دوره، امام حاضر وجود نداشت تا مردم با برخورد و روشنگری ایشان باطل بودن مدعی را ببینند، بلکه به واسطه و نایب امام دسترسی داشتند و لذا به طور طبیعی مسیر ادعای امامت جعفر هموارتر شده بود و متقابلاً، مسیر برخورد با این ادعا برای عالمان شیعه پیچیدگی بیش تری داشت؛ دوم، ادعای جعفر با کارهایی از قبیل جای امام نشستن و ایستادن و تملک اموال امام و غیره خودنمایی کرد، که از ادعا عبور کرده و وارد مرحله عمل شده بود.

۴-۱. ادعای امامت در کسوت وصایت برادر

در آغاز دوره غیبت و پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، جعفر به قصد عملی کردن ادعای خود و دستیابی به مقام امامت، خود را وصی برادر معرفی کرد. او به عنوان صاحب عزا، بر خانه امام ایستاد و خود را در معرض تسلیت بر شهادت امام عسکری علیه السلام و تبریک به عنوان امام بعدی قرار داد! همچنین گفته شده است زمانی که کار غسل و کفن امام توسط عثمان بن سعید تمام شد، جعفر خود را برای خواندن نماز بر پیکر امام عسکری علیه السلام آماده کرده بود که این عمل در آن زمان به معنای اعلان جانشینی امام قبل، شیوه‌ای مرسوم بود (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۷۵-۴۷۶ ح ۲۵ و امین، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۳).

چنان که از این گزارش تاریخی بر می آید، جعفر با این رفتارهای خود در حقیقت، ردای امامت را شایسته خود دیده و شیعیان را رسماً به خود دعوت کرده است. اما در زمینه وصایت و این که چه فردی با چه ویژگی‌هایی می‌تواند وصی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد، بحث مفصلی است که این نوشتار در مقام بیان آن نیست (ر.ک: شهبازیان، ۱۳۹۴: ص ۸۷-۱۰۸ و آیتی و آل بویه، ۱۳۹۵: ص ۱۴۵-۱۶۵).

۴-۲. طلب اموال خاص امامت از شیعیان

یکی از ترفندهای جعفر برای اثبات ادعای امامت خود دریافت اموال خاص امام بود که از



نقاط مختلف ممالک شیعی برای امام فرستاده می‌شد.^۱ از آن جا که این اموال توسط وکلای امام جابه جا می‌شد؛ جعفر، باید هنگام تحویل گرفتن امام نشانه‌های امامت را می‌داشت (چرا که بین امام و وکلایشان برای یقین به امام بودن تحویل گیرنده، نشانه‌هایی وجود داشت) و از آن جا که جعفر از این نشانه‌ها غافل بود؛ در زمان تحویل اموال، از ارائه علائم ناتوان می‌نمود؛ چنان که در همان روزهای اول، وقتی گروهی از قم و جبال^۲ با اموالی از طرف شیعیان وارد سامرا شدند، با شنیدن خبر شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در جست‌وجوی جانشین ایشان به جعفر رهنمون شدند. شیخ صدوق این قضیه را از زبان ابوالادیان چنین روایت می‌کند:

گروهی از اهل قم و جبال با اموالی وارد سامرا و جوایی امام عسکری علیه السلام شدند. بعد از آگاهی از رحلت امام، پرسیدند: جانشین امام کیست؟ حاضران، جعفر را به آن‌ها نشان دادند. آن‌ها به جعفر سلام، تسلیت و تهنیت گفتند و اظهار داشتند نامه‌ها و پول‌هایی آورده‌ایم. جعفر گفت: آن‌ها را به من بدهید! گفتند: ما هرگاه مالی را خدمت امام عسکری علیه السلام می‌آوردیم، امام می‌فرمودند که این اموال فلان مقدار است و سپس میزان

۱. اموال متعلق به مقام امامت که به عنوان وجوهات شرعی و نذورات به امام بعدی سپرده می‌شدند؛ گاهی به مبالغ هنگفت و قابل ملاحظه‌ای می‌رسیدند؛ به طوری که حتی در مواردی، وکلای امام را در دستبرد به آن‌ها وسوسه می‌کرد. جعفر در شب شهادت امام عسکری علیه السلام برای تصاحب اموال امام به سراغ خزینه‌های خانه رفت؛ با خوشحالی آن‌ها را مُهر کرد و به منزل خود برگشت. فردای آن شب سراغ خزینه‌های خانه آمد تا آن چه را مهر کرد بوده، با خود ببرد؛ اما چون مهرها را باز کرد، جز اندکی از مال باقی نمانده بود. این صحنه خدمتگزاران و کنیزان را به وحشت انداخت! آن‌ها گفتند: سوگند به خدا که دیدیم این متاع و ذخیره‌ها بر شترانی بار می‌شدند و ما قدرت حرکت و سخن گفتن نداشتیم تا آن که شتران به راه افتادند و درها به نحوی که بودند، بسته شدند! جعفر با حسرت سر خود را بر دیوار می‌کوبید. در این حال امام عصر علیه السلام به جعفر فرمودند: «ای جعفر! برای چه متعرض حقوق من می‌شوی؟» و سپس از دید جعفر پنهان شدند. جعفر به دنبال آن حضرت رفت؛ ولی ایشان را نیافت (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۱۰؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۶۰ و ابن شهرآشوب، ۱۹۶۱: ج ۴، ص ۴۲۲).

۲. در مسالک الممالک درباره حدود جبال چنین آمده است: جبال شامل ماه کوفه و ماه بصره و مضافات و توابعی است که به این دو سرزمین متصل است و حد شرقی جبال بیابان خراسان و فارس و اصفهان و سمت شرقی آن خوزستان است (دهخدا، ۱۳۴۲: ج ۷، حرف «ج» ذیل واژه، تلخیص از مسالک الممالک، ص ۱۹۵ - ۲۰۴).



مال هر شخص را می فرمودند و حتی نقش مهر صاحب مال را می دانستند. جعفر گفت: دروغ می گوئید! به برادرم چیزی را که انجام نمی داد، نسبت می دهید. آن ها گفتند: اگر تو امام هستی، برای ما دلیل بیاور (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۷۷).

۳-۴. انکار وجود فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام

جعفر در مواجهه با دو مسئله، به انکار فرزند برای برادر روی آورد تا بتواند ادعای دروغین خود را ثابت کند: مسله اول، ظاهر شدن طفلی است که خود را فرزند امام عسکری علیه السلام معرفی کرد. نقلی است که به جریان نماز بر پیکر امام حسن عسکری علیه السلام اشاره دارد: مرحوم صدوق می گوید: در این هنگام، عقید، خادم خانه امام، بیرون آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را کفن کردند، بیایید بر پیکر حضرت نماز بگذارید. جعفر وارد خانه شد، درحالی که شیعیان در اطراف او بودند. عثمان بن سعید عمری و حسن بن علی، معروف به سلمه پیشاپیش آنان قرار داشتند. وقتی به حیاط خانه وارد شدیم، جنازه امام در کفن و تابوت بود. جعفر پیش رفت تا بر جنازه نماز بگذارد. وقتی خواست تکبیر نماز را بگوید، ناگهان کودکی بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت؛ او را کنار کشید و گفت: عمو! کنار برو؛ من باید بر پدرم نماز بگذارم. جعفر درحالی که قیافه اش دگرگون شده بود، کنار رفت. آن کودک بر جنازه امام نماز خواند و حضرت را در خانه خود و در کنار پدرش، امام هادی علیه السلام دفن کرد (همان). مسئله دوم، هنگام درخواست تحویل اموال به او گفته می شد: اگر تو امام هستی، برای ما دلیل بیاور. جعفر نزد خلیفه از آن ها شکایت کرد. خلیفه از آنان خواست که مال را به جعفر بدهند! آن ها گفتند: ما مأموریم اموال را به کسی بدهیم که با علامت و نشانه ای معین همراه باشد. خلیفه پرسید: علامت شما با ابومحمد چه بود؟ گفتند: ابومحمد نوع دینارها و صاحبان آن ها و مقدارشان را بیان می کرد؛ اگر این مرد جانشین اوست، باید کار برادرش را انجام دهد. جعفر ادعا کرد این ها به برادرم دروغ می بندند؛ زیرا این آگاهی ها مستلزم آگاهی از غیب است (همان).

براساس این رخدادها در ذهن این سوال مطرح می شد که پس چه کسی هست که به این علوم آگاهی دارد؟ و از رفتار جعفر چنین برداشت می شد که او، امام نیست. لذا در همان نقل آمده است: جاحز و شاء که حاضر بود، به جعفر گفت: «آن کودک که بود؟» او می خواست با این سؤال، جعفر را که به ناحق ادعای امامت داشت، محکوم کند. جعفر گفت: «والله تا به حال او را



ندیده و نمی‌شناسم» (همان).

۴-۴. ادعای میراث از ترکه امام حسن عسکری علیه السلام

در قرآن به صراحت آمده است که ارث میت ابتدا به همسر، فرزندان و پدر و مادر می‌رسد و در صورت نبود فرزند، برادران و خواهران^۱ که درجه دو هستند، ارث می‌برند (نساء: ۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۳۸۹). بنابراین، وقتی جعفر میراث برادر را مدعی است؛ بدان معناست که برادر من فرزند و جانشین ندارد و من امام بعد از ایشان هستم.

گزارش شده در جریان تقسیم ارث و اختلافی که میان جعفر و مادر امام عسکری علیه السلام (سوسن یا حدیث) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳)، به وقوع پیوست؛ در نهایت جعفر توانست نیمی از اموال امام عسکری علیه السلام را به ارث ببرد (قمی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۹۴۱). او حتی به ماترک امام دست برد و کنیزان آن حضرت را حبس و به فروش برخی از آنان اقدام کرد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ص ۵۲۴ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۲۲۷). حتی مرحوم صدوق علت فساد عقیده جعفر را همین طلب ارث می‌داند: «و من الدلیل علی فساد أمره استعانته بمن استعان فی طلب المیراث من أم الحسن علیه السلام و قد أجمعت الشیعة أن آباءه علیهم السلام أجمعوا أن الأخ لا یرث مع الأم» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۵۸).

۱. «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتْهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ الشُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنَ...»؛ خدا به شما در باره فرزندان سفارش می‌کند که: برای پسر، همچون بهره (و سهام ارث) دو دختر باشد و اگر آن [وارث] دخترانی [دو یا] بیش از دو باشند، پس دو سوم میراث، فقط برای آنان است و اگر [وارث] یک [دختر] باشد، پس نیمی [از میراث] فقط برای اوست. و برای پدر و مادرش یک ششم میراث، فقط برای هر یک از آن دو [مقرر شده] اگر برای آن [متوفا] فرزندی باشد و اگر فرزندی برایش نبوده باشد، و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند؛ پس یک سوم (میراث) فقط برای مادرش است و اگر برایش برادرانی باشد؛ پس یک ششم [میراث] فقط برای مادرش است [و بقیه از آن پدر است البته همه این‌ها] بعد از [اجرای] وصیتی است که بدان سفارش کرده...»

۲. به طوری که گفته شده است، در ضمن آن کنیزان، دختر بچه‌ای از اولاد جعفر بن ابی طالب بوده که پس از اطلاع اهل ناحیه از این اتفاق، ۴۱ اشرفی نزد خریدار او فرستادند و او را ملزم کردند تا آن دختر را به صاحبش رد کند (کلینی، ۱۴۰۷: ص ۵۲۴ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۲۲۷).



۴-۵. رشوه دادن برای کسب منصب امامت

یکی از اقدامات جعفر بن علی برای به دست آوردن جایگاه امامت، «رشوه» دادن به حاکم وقت بود. عبیدالله بن یحیی بن خاقان، از وزرای حکومت عباسی می‌گوید:

جعفر بن علی، پس از شهادت برادرش، نزد خلیفه آمد و گفت: مقام برادرم را به من بدهید، در عوض سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم! وزیر به او گفت: ای احمق! سلطان برای کسانی که گمان می‌کنند پدر و برادر تو امام بودند، شمشیرش را آماده کرده و با وجود این، موقف نشده است آنان را از این عقیده منصرف کند؛ اگر تو نزد شیعیان از مقام پدر و برادرت بهره‌مندی، به تأیید سلطان و غیرسلطان نیازی نداری، و اگر شایستگی آن مقام را نداری، سلطان نمی‌تواند این مقام را به تو بدهد.

چون جعفر ملاحظه کرد که وزیر او را مورد اهانت قرار می‌دهد، نزد سلطان رفت و همین جواب را از او شنید (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ص ۳۷۹ و هاشم معروف الحسینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۵).

در جای دیگر آمده است: جعفر بن علی حاضر شده بود به یکی از کارگزاران خلافت عباسی رشوه بدهد و مقام خلافت {امامت} را به مبلغ سالی بیست هزار دینار بخرد که موقف نشد (مفید، ۱۳۱۴ الف): ج ۲، ص ۲۱۱؛ اربلی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳). از آن جا که جعفر برای جانشینی برادر شایسته نبود و حتی به اندازه برادر خود، سیدمحمد از خوشنامی و تقوا بهره‌ای نداشت، برای اثبات ادعای امامت خود به هر وسیله‌ای چنگ می‌زد تا در جامعه شیعی عصر خود، موانع سر راه را بردارد؛ حتی برای اثبات امامت خود از زشت‌ترین کارها که پناه بردن به دربار حکومت عباسی، به عنوان غاصبان خلافت اهل بیت علیهم‌السلام باشد، کوتاهی نکرد. در نتیجه هیچ راهی برای پوشش ادعای امامت جعفر بن علی و برائت او از این گناه نابخشودنی وجود نداشت؛ که «من ادعی الإمامة و لیس من أهلها فهو کافر؛ کسی که ادعای امامت کند و اهل آن نباشد، کافر است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۲).

۵. پیامدهای ادعای امامت جعفر در دوره غیبت

در خصوص ادعای امامت جعفر و وضعیت خاصی که او داشته، این نکته قابل ملاحظه است



که با توجه به خالی بودن کرسی امامت (غیبت) و وجود مدعی حاضر و در پی آن، ورود مدعی امامت از فاز ادعا به فعلیت بخشیدن به آن؛ اضافه بر این دو مسئله اصلی، در طول تاریخ تشیع هیچ مدعی امامتی در بین فرزندان امامان نبوده، مگر این که دیگران در مورد او چنین ادعایی داشته‌اند و خود او منکر بوده و یا بعد مرگ ایشان این ادعا تحقق یافته است؛ ولی جعفر هم زنده بود و هم خود سرسختانه بر این ادعا پافشاری می‌کرد. بنابراین، نوع این ادعا هم از لحاظ شخصیت و انتساب مدعی به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام و هم از نظر برهه تاریخی خاص شیعه بسیار حساس بود و لذا پیامدهایی برای جامعه شیعی داشت که این پیامدها در ادامه بررسی می‌گردند:

۵-۱. تغییر در نشانه‌ها و ویژگی‌های امامت

یکی از مبانی کلامی شیعه در پذیرش امام معصوم، وجود نشانه‌های امامت، از قبیل معرفی و امضای امام پیشین، شمولیت وصایت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عصمت، علم امامت و داشتن ودایع امامت است و این مبنا در طول تاریخ برای تمامی جانشینان دوازده گانه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزد شیعیان اثناعشری جاری بوده و در این موارد هیچ اختلافی تا آن زمان وجود نداشت. اکنون اگر قرار باشد جعفر بن علی طبق مدعای خود امام باشد، این مبنا کلامی در هم خواهد شکست؛ چرا که:

۵-۱-۱. امام پیشین او را معرفی و امامت او را امضا نکرده است. اگر قرار است جانشین پدر باشد که امام هادی علیه‌السلام فرمودند: «امام بعد از من حسن است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۷).^۱ از طرف دیگر، نه تنها امام هادی وی را جانشین خود معرفی نکردند، بلکه او را لایق این منصب هم ندانستند و دستور دادند: از جعفر دوری کنند و حتی او را به فرزند نوح تشبیه کردند (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۸۱-۳۸۲ و معروف الحسینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴).

اگر قرار است جعفر جانشین برادر - امام حسن عسکری علیه‌السلام - باشد که حضرت، فرزندشان، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌وسلم را معرفی کرده‌اند: «ارانی أبو محمد ابنه و قال هذا صاحبکم من بعدی»

۱. رجوع شود به کتاب شریف کافی کتاب الحججه باب نص بر امامت ابو محمد حسن بن علی العسکری علیه‌السلام.

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲۸). و بالعکس حضرت از وی اعلان بی‌زاری کردند تا جایی که امام تا پایان عمر شریف خود با او قطع رابطه کردند و هرگز با او سخن نگفتند (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۰۷).

۵-۱-۲. بحث وصایت و احادیث اثنا عشر خلیفه که در هیچ کدام اسمی از جعفر نیامده است (ر.ک: شهبازیان، ۱۳۹۴: ص ۸۷-۱۰۸ و آیتی و آل بویه، ۱۳۹۵: ص ۱۴۵-۱۶۵). اگر قرار باشد فردی خارج از اوصیا و ائمه اثنا عشر داخل شود، به این اصل مسلم اخلال وارد خواهد شد.

۵-۱-۳. بحث عصمت؛ که از ویژگی‌های منحصر به فرد امام و خلیفه‌الله است و حال آن که جعفر علنا گناه می‌کرد. بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام وقتی جعفر به عنوان جانشین برادر بر در خانه ایستاده بود، ابوالادیان با تعجب می‌گوید:

من از این جریان جا خوردم و با خود گفتم: اگر جعفر امام باشد، پس وضع امامت عوض شده است؛ زیرا من با چشم خود دیده بودم که جعفر شراب می‌خورد و قمار بازی می‌کرده و اهل تار و تنبور بود (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۷۷).

۵-۱-۴. علم امامت؛ طبق عقیده شیعه علم امامت گوهری الهی است که وقتی ردای امامت بر دوش امام انداخته می‌شود، این موهبت الهی (برفرض که از قبل در آنان نباشد حدّ اقل در زمان به عهده گرفتن امامت) در درون ایشان ایجاد می‌شود که بعد از آن امام در مقابل تمام سوالات انسان‌ها پاسخگو است و درماندگی در برابر سوال برای امام معنا ندارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لا والله لا یكون عالم - خلیفه الله - جاهلا أبدا عالما بشيء جاهلا بشيء؛ نه، قسم به خدا خلیفه خداوند به هیچ چیز جاهل نیست. این‌طور نیست که به یک چیز عالم به یک چیز جاهل (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۶۲).

حال آن که جعفر در مواجهه با ابوالادیان که منتظر سوال جانشین امام عسکری علیه السلام از همیان‌های همراه خود و مقدار و نشانه‌های درهم‌ها و دینارها بود و این که نامه‌ها بسته شده پاسخ داده شوند، عاجز بود (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۷۷) و تازه برآشفته شد که از من خبر غیب می‌خواهند. در نتیجه جعفر با این جاهلیت فراوان نمی‌تواند جانشین و خلیفه‌الله باشد، مگر این که این خصوصیت خاص امام معصوم نادیده گرفته شود.



۵-۱-۵. ودایع امامت؛ اشیایی از میراث پیامبران و امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام که ودایع امامت نام داشت، نزد امامان شیعه بوده و یکی از معیارهای شناخت امام شمرده می‌شد (طوسی، ۱۴۳۰: ص ۳۷۵ و طباطبایی و بهرامی، ۱۳۹۱: ص ۷۳-۱۰۶). در هیچ یک از منابع روایی و تاریخی به این مطلب اشاره‌ای نشده که امام هادی علیه السلام یا امام حسن عسکری علیه السلام ودایع امامت را به شخصی چون جعفر سپرده باشند.

۵-۲. تغییر در احکام فقهی شیعه

جعفر در پی تثبیت ادعای امامت خود، به رغم زنده بودن مادر امام، مدعی میراث برادر شد و به دستگاه حکومت عباسی شکایت کرد. این مطالبه مطابق فقه اهل تسنن است؛ زیرا براساس فقه اهل تسنن، اگر امام عسکری بدون فرزند درگذشته بود، ارث باید میان مادر و برادرش تقسیم می‌شد؛ اما طبق فقه امامیه، والدین جزء طبقه اول هستند و با وجود حتی یک تن از طبقه اول، به هیچ یک از طبقات دیگر ارث نمی‌رسد (صدوق، ۱۳۷۷: ص ۱۷۱ و همان، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۷-۵۸). رجوع جعفر به حاکم جور نیز یکی از انحرافات جعفر از احکام فقهی در مذهب تشیع است؛ زیرا بر اساس مبانی مذهب امامیه، مراجعه به حاکم جور، حتی اگر حق با صاحب مال باشد، جایز نیست.^۱

۵-۳. تهییج برخی از بزرگان شیعه به سوی انحراف

بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام و در معرض قرار گرفتن رسمی جعفر برای عملی کردن ادعای امامت خود و تثبیت موقعیت خویش در گستره سرزمین‌های شیعه نشین، به ارسال نامه‌هایی به بزرگان و خواص شیعه به منظور جلب رضایت و توجیه آنان مستقیماً اقدام کرد. جعفر در این

۱. کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۷، و ج ۷، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ ابن حیون المغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، محقق: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۵۳؛ طوسی، تهذیب الاحکام، محقق: حسن خراسان، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۰۱-۳۰۳؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲-۴؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، محقق: هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمیه، تهران، بی تا: ج ۱، ص ۲۵۴.

نامه‌ها، خود را عالم به همه علوم، به ویژه علم حلال و حرام دانست و ادّعا کرد وارث و جانشین امام عسکری علیه السلام است. مثلاً نامه‌ای به احمد بن اسحاق قمی، نماینده امام عسکری علیه السلام در قم فرستاد. احمد بن اسحاق با جعفر سوالاتی مطرح کرد و او از پاسخ درماند (طبرسی، بی‌تا: ص ۴۶۸ و کشی: ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۸۷-۲۹۰). جعفر در موارد متعددی اموال رسیده به سامرا را می‌خواست تصاحب کند؛ ولی از آن‌جا که حاملان این اموال و نامه‌های شیعیان، تربیت شده اهل بیت علیهم السلام بودند، از تحویل گیرنده آن‌ها، نشانه‌ها و علامت‌هایی را درخواست داشتند که چنانچه تحویل گیرنده در پاسخ آن درمانده می‌شد، دروغین بود مدعی، برملا و اموال برگردانده می‌شد؛ همانند حاملان اموال اهل جبال و قم (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۰۴ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۲، ص ۴۷-۴۹، ح ۳۴).

۴-۵. تلفیق حق و باطل

آنچه از زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام بدون کوچک‌ترین انحرافی ادامه داشت، جدایی حق از باطل بود که مهم‌ترین آن غاصب خواندن خلفای بنی امیه و بنی العباس بود و این که حکومت از آن خلفای الهی و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ اما جعفر بر خلاف این طریق

۱. جعفر در نامه‌ای از احمد بن اسحاق وجوهات اهالی قم را طلب کرد. احمد پس از مشورت با بزرگان قم، به این نتیجه رسید که جعفر باید امتحان شود. لذا طی نامه‌ای از او جواب مسائلی را جويا می‌شود و تأکید می‌کند این روشی است که ما نسبت به امامان پیش از شما نیز اعمال کرده‌ایم. تو نیز اگر جواب سؤال‌ها را به ما بگویی، ما اموال را برایت ارسال می‌کنیم. پیک اهالی قم نامه را برای جعفر ارسال کرد؛ اما جعفر هیچ پاسخی به آنان نداد! لذا احمد بن اسحاق برای روشن‌تر شدن مسئله و هویت جعفر، این بار نامه‌ای خطاب به امام عصر علیه السلام نوشت و نامه جعفر را به آن ضمیمه کرد. نامه را به نایب اول امام زمان، یعنی عثمان بن سعید عمری تحویل داد و از وی درخواست کرد نامه را محضر امام عصر علیه السلام برساند. بعد از مدتی جواب نامه از سوی امام عصر علیه السلام آمد. در این نامه، امام عصر علیه السلام با بهترین ادّله، هویت جعفر را برای شیعیان معرفی و ادّعای امامت او را باطل کرده بود. در این توقیع امام عصر علیه السلام جعفر را فردی بی اطلاع از احکام دین خوانده بود که به تشخیص حلال و حرام قادر نیست (طبرسی، احمد: بی‌تا، ص ۴۶۸؛ کشی: ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۸۷-۲۹۰).



ثابت برای تکیه زدن به مقام الهی امامت دست به دامان حاکم جور شد و از او کمک می‌طلبید^۱ و حال آن‌که خداوند صراحتاً از این کار نهی کرده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» (نساء: ۶۰).

۵-۵. تردید و انحراف برخی افراد مشهور در پذیرش امام زمان عجل الله تعالی فرجه

اگر چه در زمان امامت برخی امامان دیگر همچون امام موسی کاظم عجل الله تعالی فرجه و خود امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه در تعیین جانشین امام قبل تردیدهایی به وجود آمد و برخی افراد شناخته شده منحرف شدند؛ اهمیت این زمان و این که در روایات، این دوره، دوره تحیر^۲ شیعیان نامیده شد، ارزش اتحاد و همدلی را دوچندان و خطر اختلاف را نیز دوچندان می‌نماید؛ از جمله اختلاف میان شیعیان «مصر» که گروهی ادعا کردند جعفر جانشین امام است و عده‌ای فرزند امام را جانشین امام دانستند (کلینی، ۱۴۰۷: ص ۵۲۳؛ مفید، ۱۳۱۴ (الف): ص ۵۰-۵۰۰ و اربلی، ۱۳۸۲: ص ۹۵۷). به دلیل موقعیت جعفر و انتساب او به خاندان نبوت و ترویج و تبلیغ ادعای امامت توسط خود

۱. هنگامی که برای جعفر ثابت می‌شود که امام عسکری عجل الله تعالی فرجه فرزندی دارد، درصدد برمی‌آید خلیفه عباسی را از این موضوع آگاه ساخته تا حکومت، آن فرزند را دستگیر کند؛ یا اگر بتواند او را از میان بردارد. جعفر نزد معتمد عباسی رفت و خلیفه را تحریک کرد تا مأموران خلیفه منزل امام عسکری عجل الله تعالی فرجه را تفتیش کنند. مأموران خلیفه خانه را تفتیش کردند؛ اما کودکی نیافتند. از صیقل (کنیز امام عسکری) سراغ کودک را گرفتند؛ اما صیقل برای حفظ جان امام، وجود این کودک را انکار و ادعا کرد که باردار است تا توجه دستگاه خلافت را در وجود این کودک از بین برد. خلیفه این کنیز را به ابن‌ابی‌الشوارب قاضی تحویل داد تا وی را زیر نظر بگیرند. آن‌ها کنیز را مدت دو سال تحت مراقبت قرار دادند تا این که از باردار بودنش ناامید شدند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۶؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۰۴ و طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۰۲۴).

۲. قال سمعت أبا محمد الحسن بن علي عجل الله تعالی فرجه يقول: «في سنة مائتين وستين تفرقت شيعتي ففيتها قبض أبو محمد عجل الله تعالی فرجه و تفرقت الشيعة و أنصاره فمنهم من انتمى إلى جعفر و منهم من تاه و منهم من شك و منهم من وقف على تحيره و منهم من ثبت على دينة بتوفيق الله عز و جل؛ ابو غانم می‌گوید: از امام عسکری عجل الله تعالی فرجه چنین شنیدم: «در سال دویست و شصت پیروانم فرقه فرقه می‌شوند»؛ و در آن سال امام عسکری عجل الله تعالی فرجه رحلت فرمود و پیروان و یاورانش متفرق شدند. دسته‌ای خود را به جعفر (پسر امام دهم) منتسب کردند و دسته‌ای سرگردان شدند و دسته‌ای به شك افتادند و دسته‌ای در حالت تحیر ایستادند و دسته‌ای دیگر به توفیق خدای تعالی بر دین خود ثابت ماندند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۰۸).



او که در قید حیات بود و عدم دفاع علنی امام واقعی به دلیل غیبت؛ این ادعا باعث انحراف افرادی شد، همچون علی بن طاحی^۱ متکلم برجسته کوفی، از پیروان مذهب فطحیه (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰ و مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۹). وی به دلیل قدرت کلامی و سخنوری اش زبازد همگان بود و طرفداری و حمایت او از جعفر، پشتوانه‌ای کلامی و استدلالی اثبات امامت جعفر به حساب می‌آمد؛ و نیز علی بن احمد بن بشار، از متکلمان مشهور، پیرو امامت جعفر بن علی. وی در بیان اثبات امامت جعفر رساله‌ای نوشت و در این رساله با نقد مبانی عقیده امامت امامیه، به‌ویژه با انکار وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسئله غیبت ایشان، در پی حجیت بخشیدن به مدّعی خود برآمد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۷-۱۶۱). این رساله بعدها توسط ابن قبه نقد شد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۹۴-۱۲۵).

۵-۶. پیدایش فرقه‌ها

یکی از پیامدهای ادعای دروغین امامت جعفر، پدید آمدن چند فرقه بود. اگرچه ممکن است این فرقه‌هایی که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بوجود آمدند همگی ارتباط به ادعای

۱. نام این شخص در فرق الشیعه به صورت «علی بن الطاحی الخزاز» آمده است (رجل من اهل الکوفه من المتکلمین یقال له «علی بن الطاحی الخزاز» و کان مشهوراً فی الفطحیه و هو ممن قوی امامه «جعفر» و آمال الناس الیه و کان متکلماً محجاجاً؛ اما در کتاب «الزینه» ابوحاتم رازی و «ملل و نحل» شهرستانی به صورت «علی بن فلان الطاحن» عنوان شده است. نوبختی در کتاب «الفرق الشیعه» درباره وی چنین بیان می‌کند: «وی ابتدا از پیروان امامت امام حسن عسکری علیه السلام بود؛ اما بعد از شهادت آن حضرت، به جرگه طرفداران جعفر پیوست» (نوبختی: ۱۹۶۹: ص ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۱۹: اشعری قمی: ۱۳۶۱: ص ۱۱۰-۱۱۱؛ طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱: ص ۵۵-۵۷ و ۱۳۵ و مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۹). البته در دو منبع دیگر، یعنی «الزینه» و «الملل و النحل» ادعا شده است که علی بن طاحی بلافاصله بعد از شهادت امام هادی علیه السلام از امامت جعفر طرفداری کرد. به نظر مدرسی طباطبایی در کتاب «مکتب در فرآیند تکامل»، مدّعی نوبختی، با توجه به عقیده علی بن طاحی مبنی بر پذیرش مذهب فطحیه و عقیده «جایز شمردن انتقال امامت از برادر به برادر دیگر»، مُرّح است (صدوق، ۱۴۱۳: من لایحضر، ج ۴، ص ۵۴۲، الفطحیه). لذا ابن بابویه، جعفر را پیشوای نسل دوم فطحیه لقب داده است (صدوق، ۱۴۰۳: معانی الاخبار، ص ۶۵). علامه امینی از ریشه چنین شخصیتی را منکر می‌شود (علامه امینی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۲۴۶-۲۴۹).



جعفر نداشته باشند؛ ولی منشأ برخی از آن‌ها ادعای امامت جعفر است. البته جهت تبیین کامل بحث پیدایش فرقه‌ها به ناچار تعداد فرقه‌ها به صورت کلی آمده‌اند؛ اگر چه فرقه‌های مرتبط با جعفر در درون همین فرقه‌ها وجود دارند.

در این‌که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، علنی شدن ادعای امامت جعفر بن علی (از سوی خود و یا پیروانش)، زمینه‌ساز چه جریان‌های فکری شد؛ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مسعودی در کتاب «مروج الذهب» برای این دوران بیست فرقه نام برده است (مسعودی، ۱۴۲۶: ج ۴، ص ۱۱۲)؛ در حالی که سعد بن عبدالله اشعری در کتاب «مقالات و الفرق» (اشعری، ۱۳۶۱: ص ۱۰۲)؛ شهرستانی در کتاب «ملل و النحل» (شهرستانی، ۱۳۶۴: ص ۱۳۰) و نوبختی در کتاب «فرق الشیعیه» (مفید، الفصول المختاره، ۱۴۱۴: ص ۱۰۹ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۹، ص ۱۷۵-۱۷۶)؛ به پیدایش چهارده فرقه در جامعه امامیه اشاره دارند. جاسم حسین در کتاب «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف»، درباره گزارش‌های این منابع چنین بیان می‌کند:

مطالعه این ادعاها نشان می‌دهد که ظاهراً [این فرقه‌ها] فقط به پنج فرقه عمده تقسیم می‌شوند و هریک از این فرقه‌ها بر مبنای کلام و حدیث به کار رفته در مدعاهایشان به پانزده گروه انشعاب می‌یابند (جاسم، ۱۳۸۵: ص ۲۱۶).

عده‌ای دعوی امامت هر دو نفر، یعنی جعفر و امام حسن عسکری علیه السلام را داشتند، برخی بر این دیدگاه بودند که تنها جعفر بن علی جانشین پدر بوده است (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۴۴). منابع فرقه‌شناسی، این دو دسته از طرفداران امامت جعفر بن علی را «جعفریه» (جعفریه خلص) نام نهادند.

در مجموع، مهم‌ترین فرقه‌هایی که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، اولین بار (و یا در تداوم جریان‌های فکری پیشینیان) در جامعه امامیه سر برآوردند؛ عبارتند از: جعفریه (جعفریه خلص)، محمدیه، نفیسیه، فطحیان خلص (نوفطحیان یا طاحنیان) و امامیه (اثنا عشریه) (مدرسی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷، به نقل از کتاب الزینه، ابوحاتم رازی، ص ۲۹۱-۲۹۲ و شهرستانی، ۱۳۶۴: ص ۲۰۰).



۶. ابزار برای تحقیر شیعه اثناعشریه

۱-۶. دیدگاه روشنفکران وهابی

احمد الکاتب، یکی از نویسندگان وهابی معاصر، بر این عقیده است که بعضی از روایات شیعه که جعفر را به فسق و کذب و شرب خمر متهم کرده‌اند، فریب و حيله بوده و برای رد امامت جعفر از آن حربه استفاده شده است؛ و الا عامه شیعه این اتهامات را قبول نداشتند (کاتب، ۱۹۹۸: ص ۱۹۳ و جعفری، اترک و خوشدل روحانی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۷-۱۳۴). همچنین وی می‌گوید: روایت تاریخی که مورخان و متکلمان اثناعشری به آن اعتراف دارند، گواه آن است که امام عسکری علیه السلام در حالی وفات کردند که فرزند آشکاری برجا نگذاشتند (ر.ک: کاتب، ۱۹۹۸: ص ۱۹۱-۱۹۳).

ابن تیمیه با طرح این شبهه که امام عسکری علیه السلام عقیم بوده و فرزندی نداشتند، درصدد بوده است تا اصل وجود مهدی منتظر شیعه را مورد انکار قرار بدهد. در این باره می‌گوید:

«قد ذکر محمد بن جریر الطبری و عبد الباقي بن قانع وغيرهما من أهل العلم بالأنساب والتواریخ أن الحسن بن علی العسکری لم یکن له نسل ولا عقب...؛ محمد بن جریر طبری و عبد الباقي بن قانع و دیگر دانشمندان علم انساب و تاریخ نقل کرده‌اند که [امام] حسن بن علی عسکری علیه السلام فرزندی نداشتند...» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۸۷ و همان، ۱۴۲۲: ج ۲۷، ص ۴۵۲).

قفاری در ادامه چنین استدلال می‌کند: و عالمان انساب و مورخان چنین تصریح کرده‌اند که حسن بن علی عسکری فرزندی نداشت^۱ (قفاری، بی‌تا: ص ۱۰۹۱ و آیتی، ۱۳۹۶: ص ۵۰۱). همچنین این مطلب را جای دیگر نسبت به شیعه می‌دهد (قفاری، بی‌تا: ص ۱۰۹۲-۱۰۹۴ و آیتی، ۱۳۹۳: ص ۵۱۲-۵۱۵). در ادامه ناصر القفاری به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده (همان، ص ۱۰۹۴-۱۰۹۵ و همان، ص ۵۱۷-۵۱۸)؛ و در انتها انکار فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام را از سوی جعفر بن علی نقل می‌کند (همان، ص ۱۰۹۵ و همان، ص ۵۲۳-۵۲۷).

حامد طه در کتاب خود بحث عدم فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام در هنگام رحلت را

۱. و قد ذکر اهل العلم بالانساب و التواریخ أن الحسن بن علی العسکری لم یکن له نسل ولا عقب.

طرح می‌کند (الدیلمی، ۱۴۲۵: ص ۴۴-۴۵ و ۵۱) و احسان الاهی ظهیر در «الشیعة و أهل البیت» این شبهه را ذکر کرده‌اند.

۶-۲. دیدگاه مستشرقین

هاینس هالم در کتاب «تشیع» می‌نویسد: «امام حسن عسکری علیه السلام از خود پسری بر جای نگذاشت» (هالم، ۱۳۸۹: ص ۷۳). شهادت امام عسکری و عدم حضور ظاهری فرزند امام، اختلاف و گسستگی شدیدی میان شیعیان را موجب گردید.

گلدزیهرمی گوید: «کسانی نیز در اصل وجود فرزند برای [امام] حسن عسکری علیه السلام که پس از پدرش زنده مانده باشد، تردید دارند» و خود گلدزیهر دیدگاه عدم فرزند را پذیرفته است (گلدزیهر، ۱۳۵۷: ج ۲، ص ۴۳۸).

ادموند هاینس نیز در مقاله «امامی که باید باشد: جعفر کذاب بین رئالیسم سیاسی و ایدئالیست باطنی»؛ به تشریح جعفر و امامت او پرداخته است. وی در این مقاله در پی بیان سیر تاریخی ادعای جعفر بن علی و چگونگی گسترش و افول این ادعا به بحث می‌پردازد. وی در این مقاله متعدد به عدم فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرده و نبود رقیبی برای جعفر را دلیل درستی امامت جعفر بن علی می‌داند (Hayes, 2021: p.73-106).



۱. توفی الحسن بن علی المعروف بالعسکری سنة ۲۶۰ هـ ق فی سامراء، دون أن یتربک ولدا مما ادی الی تفجر أزمة عنیفه فی صفوف الشیعة الامامیة الموسویة الذین کانوا یعتقدون باستمرار الامامة الالهیة الی یوم القیامة.

۷. نتیجه گیری

اگر چه فارس بن حاتم زمینه ساز ادعای امامت جعفر بود؛ «جعفر بن علی»، برای اثبات امامت خود تلاش‌های گوناگونی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و به خصوص در آغازین دوره غیبت صورت داد؛ از جمله قصد ادای نماز بر پیکر امام عسکری علیه السلام و تصاحب اموالشان، تحریک کردن حکومت عباسی برای دستگیری فرزند ایشان، دادن رشوه به حکومت عباسی برای به دست آوردن مقام امامت، انحراف افرادی چون علی بن طاحی، متکلم برجسته فطحی کوفی و علی بن احمد بن بشار یکی از متکلمان را باعث شد. مهم‌ترین پیامد این ادعا هدف گرفتن نشانه‌های امامت از دیدگاه شیعه اثناعشریه بود که ادعای امامت جعفر با هیچ یک از آنان سازگاری نداشت و پذیرفتن امامت جعفر در تقابل با این اصول مسلم بود. سه پیامد مهم دیگر آن، ابتدا انکار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل ادعای وجود فرزند برای برادر و تصرف اموال امام حتی اموال مخصوص امامت و هم دارایی‌های شخصی امام؛ دوم، به وجود آمدن فرقه‌های انحرافی در بین شیعیان که تحبیر و سرگردانی دوچندانی را در دوران غیبت سبب گشت و این اختلافات شدید بین شیعیان، تثبیت قدرت بنی عباس و ضعف و سستی عقیدتی شیعیان را در پی داشت؛ سوم، سوء استفاده برخی از روشنفکران وهابی و مستشرقان.



منابع

قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۳). *دلیل روشن (پاسخ به شبهات قفاری درباره اندیشه مهدویت)*، قم، موسسه آینده روشن.
۲. ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۶ق). *منهاج السنة النبویه*، محقق: محمدرشاد سالم، ریاض، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۳. _____ (۱۴۲۲ق). *کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه*، محقق: هشام بن اسماعیل بن علی الصینی، القاہرہ، دارابن جوزی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، بیروت، بی نا.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۶۱م). *معالم العلماء*، محقق: محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، بی نا.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲). *کشف الغمہ فی معرفہ الأئمہ*، مترجم: علی زوارہ ای، تهران، انتشارات الاسلامیه.
۷. اشعری، سعد بن عبد الله (۱۳۶۱). *کتاب المقالات والفرق*، محقق: محمد مشکور، بی نا، تهران.
۸. _____ (۱۳۸۱). *تاریخ و عقاید مذاهب شیعه، المقالات والفرق*، محقق: محمدجواد مشکور، مترجم: یوسف فضایی، تهران، آشیانہ کتاب.
۹. امام خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *ترجمہ تحریر الوسیلہ*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. امین، محسن (۱۴۰۶ق). *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). *الغدیر*، قم، مترجم و ناشر: مرکز الدراسات الاسلامیه.
۱۲. آیتی، نصرت الله، آل بویه، قنبر علی (تابستان ۱۳۹۵). «*بررسی روایات جانشینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و بازتبیین انحصار آن در عدد دوازده*»، مجله مشرق موعود، شماره ۳۸.
۱۳. جاسم، حسین (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام*، مترجم: سید محمد تقی آیت الاهی، تهران، امیر کبیر.
۱۴. جعفری، فاطمه؛ اترک حسین و خوشدل روحانی مریم (زمستان ۱۳۹۵). «*نقد و بررسی ادعای احمد الکاتب در امامت جعفر*»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آیینہ معرفت، شماره ۴۹.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیہم السلام.
۱۶. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأئمہ فی النص علی الأئمہ الإثنی عشر*، قم، بیدار.



۱۷. خصبی، ابی عبدالله حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). **الهدایة الكبرى**، بیروت، موسسه البلاغ.
۱۸. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۳ق). **معجم رجال الحديث**، بیروت، دارالزهران.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). **لغتنامه دهخدا**، تهران، انتشارات موسسه دهخدا.
۲۰. الدیلمی، طه حامد (۱۴۲۵ق). **المهدی المنتظر هذه الخرافه**، الأنبار، بی نا.
۲۱. راوندی، قطب الدین بن سعد بن هبه الله (۱۴۰۹ق). **الخرائج الجرائح**، قم، محقق و نشر: موسسه الامامه المهدی.
۲۲. رحیمی جعفری، محسن و رضا نژاد کلانی، زینب (پاییز ۱۳۹۹). «**بررسی و تحلیل شخصیت شناسی جعفر بن علی در منابع روایی و تاریخی و تاثیر آن بر آغاز غیبت**» فصلنامه انتظار موعود، ش ۷۰.
۲۳. شهبازیان، محمد (زمستان ۱۳۹۴). «**واکاوی وصیت نازل شده از آسمان به حضرت محمد ﷺ و نقش آن در شناسایی مدعیان دروغین**»، **مجله انتظار موعود**، شماره ۵۱.
۲۴. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). **الملل والنحل**، قم، شریف رضی.
۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمامه النعمه**، مترجم: منصور پهلوان، تهران، اسلامیه.
۲۶. _____ (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه**، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. _____ (۱۴۰۳ق). **معانی الاخبار**، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۹. طباطبایی، سید محمد کاظم و بهرامی، علیرضا (زمستان ۱۳۹۱). **جستاری در آسیب شناسی چالش های آغاز امامت امام کاظم**، مجله امامت پژوهی، شماره ۸.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). **الغیبه**، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
۳۱. _____ (۱۴۳۰ق). **الاقتصاد**، محقق: سید محمد کاظم موسوی، قم، دلیل ما.
۳۲. قاضی عبدالجبار، احمد (بی تا). **المغنی فی ابواب التوحید و العدل**، محقق: محمود عبدالحکیم، قاهره، دارالکتب المصریه.
۳۳. القفاری، ناصر (بی تا). **اصول مذهب الشیعه الاثنا عشریه؛ عرض و نقد**، بی جا، انتشارات دارالرضا.
۳۴. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). **منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل**، قم، دلیل ما.



۳۵. الکاتب، احمد (۱۹۹۸م). *تطور الفكر السياسي الشيعه من الشورى الى الولاية*، بيروت، دارالجدید.
۳۶. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). *اختیار فی معرفه الرجال*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیہ.
۳۸. گلذیہر، ایگناس (۱۳۵۷). *درس های دربارہ اسلام*، مترجم: علی نقی منزوی، تهران، انتشارات کمانگیر.
۳۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق). *تنقیح المقال*، محقق: محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل البيت علیہ السلام.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *بحار الانوار*، تهران، اسلامیہ.
۴۱. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۸). *مکتب در فرایند تکامل*، مترجم: هاشم ایزد پناه، تهران، کویر.
۴۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق). *اثبات الوصیة للإمام علی بن ابیطالب*، قم، انصاریان.
۴۳. معروف الحسینی، هاشم (۱۳۷۰). *سیره الأئمه الاثنی عشر*، مترجم: محمد رخشنده، تهران، امیر کبیر.
۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق. الف). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۵. _____ (۱۴۱۳ق. ب). *الفصول العشره*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۶. _____ (۱۴۱۴ق). *الفصول المختارة بیروت*، چاپ علی میر شریفی.
۴۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال نجاشی*، محقق: موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۸. ناطق بالحق، یحیی بن الحسین (۱۴۲۲ق). *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، محقق: عبدالله عزیزی، یمن، مؤسسه امام زید بن علی الثقافیه.
۴۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
۵۰. نوبختی، ابوالسهل اسماعیل بن علی (۱۹۶۹م). *فرق الشیعه*، مترجم: محمد جواد مشکور، محقق: محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، بی نا.
۵۱. هالم، هاینس (۱۳۸۹). *تشیع*، مترجم: محمدتقی اکبری، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
52. Hayes, Edmund. "Chapter 2 The Imam Who Might Have Been: Ja'far "the Liar" between Political Realism and Esoterist Idealism". Reason, Esotericism, and Authority in Shi'i Islam. Leiden, The Netherlands: Brill, 2021.